

ابوالبقاء خالد بن عیسی بَلَوی / بَلَوی فقیه و قاضی^۱ از قبیله بلوین اندلس است که از طائفه قُضاعه یمن منشعب شده است.^۲ او در قَتوریه / قَتوریه از مناطق مُریه اندلس در سال ۷۱۳ق. زاده شد.^۳ گویا در جوانی به سال ۷۳۶ق. به سفر پرداخت. از پدرش که قاضی قتوریه بود، دانش‌های مختلف را فرا گرفت. سپس به غرناطه رفت و از دانشوران آن جا و آن گاه از محدثان فاس علوم مختلف را آموخت و به قتوریه بازگشت. بیشتر روایاتش را از جد مادری اش عبدالمنعم سماک و ابواسحق بن جابر دریافت نموده است. نیز مشایخ متعدد در شهرهای اندلس، تونس، قاهره و اسکندریه داشت. (ص ۲۶-۲۷) در تونس مدتی نویسنده و کاتب امیر بود. (ص ۴۳) پس از بازگشت به اندلس، از مشاهیر علم و فقه و ادب به شمار می‌رفت (ص ۲۷) و از این رو، قاضی قتوریه گشت. سپس قضاوت برشانه، از شهرهای اندلس، را عهده دار شد. برخی سال وفاتش را ۷۶۵ق. دانسته‌اند که گویا صحیح نیست؛ زیرا خالد بلوی نگارش سفرنامه را در روز آخر ربیع الاول ۷۶۷ق. به پایان رسانده و از سوی، ابن خطیب که کتابش را در ۷۸۰ق. نگاشته، با عبارت

(م. ۸۵۲ق.)؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ موسوعة طبقات الفقهاء: جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق؛ موسوعة مدرسة مكة فی التفسیر: احمد العمرانی، مکه، دار السلام، ۱۴۲۲ق؛ الموقظة فی علم مصطلح الحدیث: محمد الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عبدالفتاح، حلب، مکتبه المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۱۲ق؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش خالد عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وقعة صفین: ابن مزاحم المنقری (م. ۲۱۲ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، مکتبه التجفی، ۱۴۰۴ق. مهران اسماعیلی



تابونگ حاجی ← مالزی

تاج المَفْرُق...: از سفرنامه‌های مغربی

حج، نوشته خالد بن عیسی بلوی

کتاب تاج المَفْرُق فی تحلیه علماء المشرق از منابع و سفرنامه‌های مغربی و اندلسی قرن هشتم ق. است. «تاج المَفْرُق» به معنای تاج سر است. نویسنده در این سفرنامه، دیده‌هایش را یادداشت کرده و شرح دیدارش با دانشوران اسلامی در شهرهای مختلف را بازگو نموده و از مباحثات علمی با آنان گزارش داده است.

۱. نفح الطیب، ج ۲، ص ۵۳۲.

۲. نک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۱۷۷، «بلوی، خاندان».

۳. تاج المَفْرُق، ص ۲۵، «مقدمه».

مؤلف از نام‌گذاری کتاب به «تاج المَفْرَق...» باشد. وی پیش از اشاره به نام کتاب، فشرده و چکیده‌ای از مطالب آن به دست داده است. (ج ۱، ص ۱۴۳) مقری هم نام کتاب را به همین گونه آورده و آن را ستوده و مشتمل بر نکات سودمند دانسته است.^۶ در بررسی سفرنامه‌های اندلسی و مغربی، بر تأثیر ادبیات شرق اسلامی بر این منطقه و نیز نحوه شکل‌گیری نثر و اسلوب بلاغی بلوی تأکید شده است.^۷

از ویژگی‌های سفرنامه بلوی، گزارش تاریخ فرهنگی شهرها در قالب دیدار با ادیبان و دانشوران و محدثان در سرزمین‌های گوناگون است. این سنت فرهنگی - آموزشی در میان سفرنامه‌نویسان مغربی رواج داشت و کسانی مانند عبّدری و ابن رُشید فُهری نیز به بازگویی چنین گزارش‌هایی می‌پرداختند.^۸ گزارش‌های بلوی در باره مکان‌ها و شهرها ساختاری یکنواخت دارد. این ساختار حاوی وصف وضع عمومی شهر، آمارها و گزارش‌هایی از اقتصاد و تجارت و زراعت، مساجد و مزارها و مکان‌های مقدس، دیدار نویسنده با عالمان و ادیبان و محدثان، و نقل اجازات و اشعار است. هنگام گذر نویسنده از

«رحمة الله علیه» از او یاد کرده است. بنا بر این، وی می‌بایست در میانه این دو تاریخ رحلت کرده باشد.^۱

از مشاهیر خاندان بلوی اندلس، از ابومحمد بلوی طرطوشی صاحب کتاب الشفاء فی الطب، ادیب مشهور ابویحیی بلوی غرناطی، ابوالحسن علی بلوی (م. ۲۲۳ق.)، و ابومحمد عبدالمحمد بلوی (م. ۶۱۹ق.) می‌توان یاد کرد.^۲ از خانواده خالد بن عیسی بلوی، برادرش قاضی محمد بن عیسی بلوی و نواده‌اش قاضی علی بن احمد بن خالد شناخته شده هستند.^۳ علی بن احمد با کوشش فراوان به نسخه‌پردازی همین رحله پرداخت و در نگهداری آن کوشید.^۴

خالد بلوی افزون بر این سفرنامه، برنامه‌ی روایت، دیوان شعر، تخریجی در حدیث الرحمه، کتابی در اسانید ثلاثیات صحیح بخاری، و گزیده‌ای از اشعار معاصران داشته است.^۵

در سفرنامه بلوی، به دانشوران و ادیبان روزگار و مراودات و محاورات مؤلف با آنها بسیار اشاره شده که می‌تواند توضیح‌گر قصد

۱. تاج المفرق، ج ۱، ص ۲۶-۲۷، «مقدمه».

۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۱۷۷-۱۷۹.

۳. تاج المفرق، ص ۱۶-۱۷، «مقدمه».

۴. تاج المفرق، ص ۱۶-۱۷، «مقدمه».

۵. تاج المفرق، ج ۱، ص ۳۶، «مقدمه».

۶. نفع الطیب، ج ۲، ص ۵۳۲.

۷. تاج المفرق، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۱، «مقدمه».

۸. رحلة العبدی، ص ۲۸۷-۳۱۲، نک: رحلة ابن رشید.

تونس به اسکندریه، قاهره، بیت المقدس و دیگر شهرهای بزرگ، همین گونه گزارش به کار رفته است. دغدغه‌های صوفیانه خالد بلوی، از شرح خرقه‌ای که از یکی از دانشوران اهل تصوف گرفته و نیز اجازه روایت کتب عرفانی (ج ۱، ص ۲۶۷) آشکار است.

بلوی در آغاز می‌گوید که به قصد حج و در طلب علم از شهر قُتوریه خارج شده است. (ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۴) او حرکت خود را در روز شنبه ۱۸ صفر ۳۳۶ق. با وداع از خانواده و دوستان آغاز می‌کند؛ وداعی که از هر عذابی سخت‌تر بوده است. (ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵) از همان آغاز، استناد به قطعات و اشعار در این اثر شکل می‌گیرد و نثر آهنگین و مسجع، بر گزارش‌های آن سایه‌ای سنگین می‌افکند؛ به گونه‌ای که شناخت جاهایی را که بلوی از آن جا گذر کرده (برای نمونه: ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹) و حوادثی را که دیده و حتی فهم عواطف و احساسات شخصی او را دشوار می‌گرداند. ویژگی دیگر این سفرنامه، افزون بر بیان سرگذشت نام‌آوران، آوردن گزارش‌هایی از حیات اجتماعی و فکری و علمی روزگار مؤلف است. از این رو، این اثر آمیزه‌ای از شعر، تاریخ، فقه و تراجم است. صرف نظر از نثر خاص اثر، وصف‌های بلوی گاه تیزبینانه و دقیق است. (برای نمونه: ج ۱،

ص ۱۴۸) وی هنگامی که از شهر عُبَّاد در تِلْمَسان گذر می‌کند، از ابوالحسن مرینی سلطان بنی مرینی (حك: ۷۳۱-۷۴۹ق.) به نیکی یاد می‌نماید. (ج ۱، ص ۱۴۹)

حضور بلوی در نماز جمعه شهر تلمسان (ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۰)، دیدارش با ادیبان آن جا و نقل اشعار ایشان (ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱)، گذشتن از بیابان‌های متعدد تا رسیدن به الجزائر که از حسن سلوک مردمانش یاد می‌کند (ج ۱، ص ۱۵۲)، و گذر از بجایه که در آن به سختی‌ها و ناملايمات بسیار دچار می‌شود (ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳)، از دیگر مطالب سفرنامه است.

نکات طنزپردازانه در سفرنامه بلوی بسیار است و از روحیه شاد و محضر نیکوی او حکایت دارد. (ج ۱، ص ۱۵۵) معمولاً در هر شهر، نخستین دغدغه او دیدار با فضلا و مباحثات علمی است. (برای نمونه: ج ۱، ص ۱۶۱) تبرک جستن از علما و اولیا، از دیگر مشخصات رفتار بلوی است که بعدها رواج بیشتر می‌یابد و مشرب صوفیانه زیارت مزارها از جانب سفرنامه‌نویسان مغربی می‌شود.^۱

بلوی در هر موضوع به منابع تاریخی و حدیثی کهن استناد می‌کند و گفته‌ها و نظرهای خود را با یادکرد حدیث نبوی، مجاز و مطلوب جلوه می‌دهد. (ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱)

۱. نک: الحقیقه و المجاز؛ نک: احراز المعلی.

اشاره وی به قرائت حزن‌انگیز و پرشور یکی از علمای قاری قرآن (ج ۱، ص ۱۷۱) و یادکرد او از مشایخی که به او قرائات مختلف را آموخته‌اند و گزارش از تونس و مباحثات با دانشوران آن سرزمین و اجازاتی که دریافت کرده، از بخش‌های چشمگیر کتاب در زمینه تاریخ فرهنگی شهرها است. (ج ۱، ص ۱۶۴-۱۹۳)

گرفتار شدن کاروان در طوفان دریایی و توسل مؤلف و گروه همراه به قرائت قرآن (ج ۱، ص ۱۹۶)، نجات شادی‌آفرین و رسیدن به ساحل اسکندریه و وصف ادیبانه او از این تضاد روحی که از ترس و اضطراب به لذت و شادی تبدیل شده است (ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۸)، و وصف مناره اسکندریه و معماری و نقش‌های شگفت‌انگیز آن، از مباحث بعدی کتاب است. یکی از مایه‌های شگفتی در اسکندریه، آینه‌ای بوده که بر نوک این مناره نصب کرده‌اند. دیگر مایه شگفتی، استحکام بناهای آن بوده که به گفته نویسنده، ساختمان‌های زیرزمین آن استوارتر از دیگر بناهای مشابه در روی زمین است. (ج ۱، ص ۱۹۸) بلوی گزارشی شگفت‌انگیزتر از یکی از دانشوران به نام هروی آورده که شهر اسکندریه در آن زمان ۱۲۰۰۰ مسجد داشته است. سپس نامه عمرو بن عاص به خلیفه دوم در وصف اسکندریه را آورده که در آن از

وجود ۴۰۰۰ حمام و ۴۰۰۰۰ یهودی جزیه‌پرداز در اسکندریه خبر داده است. (ج ۱، ص ۲۰۰) بلوی مسجد جامع ابن طولون را معرفی کرده و معتقد است که این مسجد با الگوی مسجدالحرام ساخته شده است. (ج ۱، ص ۲۱۵) او از کارشناسان نقل می‌کند که کشتی‌های بزرگ نیل به بیش از ۱۰۰ فروند می‌رسند و زورق‌های کوچک فراوان در دریا به فعالیت و صید مشغولند. (ج ۱، ص ۲۱۸) وی تعداد شتران آب‌کش روزانه قاهره را بیشتر از دویست هزار می‌داند و مغازه‌های قاهره را ۶۰ هزار دکان به شمار می‌آورد. وصف او از اهرام مصر (ج ۱، ص ۲۱۸-۲۲۲)، مرقد رأس الحسین در قاهره (ج ۱، ص ۲۲۱) و تبرک به آن، مرقد سیده نفیسه از نوادگان زید بن حسن بن علی علیه السلام، و مرقد زینب و معرفی کتیبه نگاشته شده بر در آن که نام حضرت زینب بر آن کتابت شده بوده، بخشی دیگر از آگاهی‌های این سفرنامه است. (ج ۱، ص ۲۲۲)

بلوی با دیدن مدینه، گریان می‌شود و به بداهه، قصیده‌ای در معنویت مدینه (ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۲) و وصف مسجدالنبی (ص ۲۸۳) می‌سراید. او وصف مسجدالنبی را با اشاره به تعمیر و گسترش آن در دوران ملک منصور قلاوون صالحی در ۷۰۱ق. آغاز می‌کند و برای او لقب خادم الحرمین الشریفین را به کار می‌برد. (ج ۱، ص ۲۸۵) او انحراف قبله

می‌شود. (ج ۱، ص ۲۸۸) سپس از خانه ابویوب انصاری، خانه عایشه، خانه فاطمه، خانه ابوبکر، و خانه عمر که در جنوب مسجد قبا بوده، نام برده و قبا را شهری بزرگ دانسته که به مدینه متصل بوده است. (ص ۲۸۸) نیز از مسجد فتح، مشهد حمزه، مشاهد شهدای احد، مسجد علی، و مسجد سلمان فارسی در بیرون مدینه یاد کرده است. (ج ۱، ص ۲۸۸) سپس از بقاع بقیع گزارش داده و به مرقد عباس که قبر امام حسن علیه السلام در آن قرار داشته و دارای گنبدی بزرگ و دو قبر برآمده و مرتفع از سطح زمین با الواح و ورق‌های تزئینی بوده، پرداخته است. (ج ۱، ص ۲۸۹)

گزارش بلوی از عین النبی (عین الزرقاء) از اغراق میرا نیست. (ج ۱، ص ۲۹۰) به گزارش وی، این چشمه نه تنها مردم مدینه، بلکه همه اهل زمین را کفاف می‌دهد. البته شاید مقصود وی، مسافران و زائران باشد. بلوی، مدینه را با لقب مکرمه و کریمه یاد می‌کند و پس از وصفی عاطفی از معنویت مدینه، از شنیده‌ها و آموزش‌ها و دیدارهایش با دانشوران مجاور حرم، گزارشی علمی و فرهنگی به دست می‌دهد. (ج ۱، ص ۲۹۱) او در پی دریافت اجازه حدیث از برخی دانشوران آن جا، با کاروان شامی در بیست و سوم ذی‌قعدة از مدینه خارج می‌شود (ج ۱، ص ۲۹۴) و در پنجم ذی‌حجه به مکه می‌رسد. (ج ۱، ص ۲۹۵)

مسجدالنبی را که ظریف و بدیع می‌شمرد، به عمر بن عبدالعزیز نسبت می‌دهد و سپس قبور سه‌گانه و روضه مطهره را با شرح نقوش تزئینی، مرمرها، مشخصات دیوارها، و رنگ‌ها به دقت وصف می‌کند. یکی از نکات بدیع این گزارش، اشاره به حوضچه کوچک مرمرینی است که داخل مرقد نبوی به شکل محراب قرار داشته و خانه فاطمه زهرا علیها السلام یا قبر وی بوده است. (ص ۲۸۵-۲۸۶) اشاره به جذع خنانه (ستون خنانه)، منبر نبوی و تبرک با لمس و مسح آن (ج ۱، ص ۲۸۶)، مساحت و طول و عرض مسجدالنبی، و ۸۰۰ ستون مسجدالنبی در گزارش نویسنده آمده است. او اشاره می‌کند که صحن مسجد دارای قبه‌ای سفید رنگ است که ۱۵ نخل روبه‌روی آن قرار دارند. (ج ۱، ص ۲۸۷) نیز چهار باب مسجدالنبی را با نام باب الرحمه، باب جبرئیل، باب الخشیه و باب الرخاء وصف می‌کند. (ج ۱، ص ۲۸۷) به بیان وی، روبه‌روی باب الرحمه مدرسه‌ای بوده که در معماری و ساخت نظیر نداشته است. (ج ۱، ص ۲۸۷)

او مسجد قبا را در دو مایلی مدینه در جهت قبله معرفی می‌کند (ج ۱، ص ۲۸۷) و به تعمیر آن و کتبیبه تاریخ این تعمیر در ۶۷۱ ق. اشاره می‌نماید. نیز شرح می‌دهد که روبه‌روی در مسجد، چاهی بزرگ است (ج ۱، ص ۲۸۸) که آبی گوارا دارد و آب مدینه از آن تأمین

گزارش‌های بعدی بلوی در وصف ارکان و فضیلت‌ها و معماری کعبه (ج ۱ ص ۲۹۸-۳۰۸)، قبة الشراب یا سقایه عباس (ج ۱، ص ۳۰۶)، دروازه‌های مکه (ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۹)، مکان‌های مقدس مکه (ج ۱، ص ۳۱۰-۳۱۴)، و منا و محل جَمْره‌ها (ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۷) است. جلد دوم این سفرنامه به وصف جاهایی که نویسنده در پی خروج از مکه، دیدار نموده و نیز زیارت بیت المقدس و دیدار با بزرگان و دانشوران هر سرزمین و وضع فرهنگی آن جا اختصاص دارد.

مصحح سفرنامه، حسن بن محمد السائح است که به تفصیل، در باره زندگی، محیط فرهنگی، استادان، مناصب و ارتباطات خالد بن عیسی بلوی و نیز وضع سفرنامه‌نویسی در مغرب و اندلس و مهمترین سفرنامه‌های مغربی گزارش داده است. (ج ۱، ص ۳-۱۳۶)

◀ **چاپ‌ها:** نسخه‌های متعدد از سفرنامه بلوی در دسترس است. نسخ مغربی آن، شامل چهار نسخه در الخزانة العامه رباط است که چاپ حاضر از روی آن‌ها صورت گرفته است.^۱ نسخه‌های نگهداری شده در کتابخانه جامعه القرویین و جاهای دیگر نیز مورد استفاده مصحح قرار گرفته است. سفرنامه تاج المفرق با مقدمه و تصحیح حسن السائح در دو

جلد (جلد اول: ۳۱۸ صفحه و جلد دوم: ۲۵۴ صفحه) بدون اشاره به نام ناشر و محل و تاریخ نشر چاپ شده است.

علی احمدی میرآقا



تاجیکستان: کشوری مسلمان در جنوب

شرقی آسیای مرکزی

جمهوری تاجیکستان با وسعتی حدود ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع، از شمال و مغرب با ازبکستان، از شمال شرقی با قرقیزستان، از مشرق با جمهوری خلق چین، و از جنوب با افغانستان همسایه است. شهر دوشنبه پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر تاجیکستان است. این کشور دارای چهار استان به نام‌های خجند، کولاب، قرقان تپه، و ولایت خودمختار بدخشان کوهی است.^۲ (تصویر شماره ۱۴)

تاجیک‌ها و ازبک‌ها دو گروه عمده نژادی تاجیکستان را تشکیل می‌دهند. تاجیک‌ها حدود ۸۰٪، ازبک‌ها حدود ۱۵٪ و روس‌ها و قزاق‌ها هر کدام ۱۰٪ از جمعیت ۷۷۲۸۴۰۰ نفری (آمار اکتبر ۲۰۱۱ م.) این کشور را در بر می‌گیرند. زبان رسمی این کشور، فارسی با گویش تاجیکی است.

۱. تاج المفرق، ص ۱۰-۱۲، «مقدمه».

۲. جغرافیای تاریخی تاجیکستان، ص ۴۱؛ تاجیکستان، ص ۱۳.